

حضرت امام سجاد(ع) در روایتی می‌فرمایند: «...و به قبول توبه و قضاء الفرض الذی أوجبه الله عليك». دو حق حج بیان شد اکنون به دو نتیجه آن اشاره می‌شود که یعنی در خود این یک لطافتی وجود دارد که از یک طرف حج عملی است که خداوند آن را بر بندگانش واجب نموده و باید انجام دهند، اما در ضمن انجام این عمل، فایده دیگری نیز برای آنان دارد و آن قبول توبه است.

در مورد بسیاری از عبادات دیگر چنین تعبیری مشاهده نمی‌شود. به عنوان مثال، در خود نماز که بسیار پرثمر است و صیانت از فحشا و منکر می‌کند، معراج مؤمن و سبب تقرب است این تعبیر خاص که خود نماز مساوی با قبول توبه باشد، به یاد ندارم ذکر شده باشد. البته گفته‌اند که پس از نماز استغفار و طلب توبه کنید. نماز را به نهری تشبیه کرده‌اند که انسان روزی پنج بار خود را در آن شستشو و از ناپاکی‌ها پاک می‌کند، اما این با تعبیر «قبول توبه در اثر انجام خود عبادت» متفاوت است. این تعبیر حاکی از برجستگی حج در میان سایر عبادات و اهمیت ویژه آن است. بنابراین، حج گزار ضمن اینکه به واجب الهی عمل می‌کند و آنچه را که خدا به عهده او گذاشته ادا می‌کند، توبه او نیز (با شرط وجود آمادگی‌ها و مقدمات پیشین که اشاره شد) پذیرفته می‌شود.

در این رابطه روایات مهمی وارد شده است. همان‌طور که در جلسه گذشته عرض کردم، طبق روایتی، خداوند حاجی، خانواده حاجی، عشیره حاجی و هر کس که حاجی برای او طلب آمرزش کند را می‌آمرزد.

روایت دیگری نیز در کتاب «من لا یحضره الفقیه» مرحوم شیخ صدوق نقل شده که: هر کس در عرفه وقوف داشته باشد، خداوند اهالی محل سکونت او را از هر روستا یا شهری که باشند مورد مغفرت قرار می‌دهد. در این روایت، تنها به شخص حاجی و خانواده و عشیره او اکتفا نشده، بلکه اگر کسی حجتی شایسته به جای آورد، می‌تواند سبب آمرزش اهالی محل خود شود، حتی اگر از عشیره و قوم و خویش و خانواده او نباشند. می‌فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ كُورَةٍ وَقَفَ بِعَرَفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لِأَهْلِ تِلْكَ الْكُورَةِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا مِنْ رَجُلٍ وَقَفَ بِعَرَفَةَ مِنَ أَهْلِ بَيْتٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لِأَهْلِ ذَلِكَ الْبَيْتِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». ^۱هیچ مؤمنی از اهل یک منطقه (شهر یا روستا) نیست که در عرفه وقوف داشته باشد، مگر آنکه خداوند مؤمنان آن محل را می‌آمرزد. همچنین هیچ مؤمنی از یک خانواده مؤمن در عرفات وقوف نمی‌کند، مگر آنکه خداوند مؤمنان آن خاندان را مورد مغفرت قرار می‌دهد. این روایت ابتدا درباره اهالی یک شهر یا روستا سخن می‌گوید و سپس درباره خاندان شخص حاجی. بنابراین، حج در میان عبادات دارای چنین جایگاه ویژه‌ای است.

اگر ما حقیقت حج را دریابیم که «و حق الحج أن تعلم أنه وفادة إلى الله و فرارک إلیه من ذنوبک» است؛ یعنی حق حج آن است که بدانی این درگاه ورود تو به سوی خداوند و مرکبی است که با آن به سمت پروردگارت پرواز می‌کنی و از گناهانت می‌گریزی. دو ثمره مهم دارد که به تعبیری، «یک تیر و دو نشان» است یا می‌توان گفت دارای دو مرتبه است: مرتبه نخست، عملی است که انسان موظف به انجام آن است (واجب) و اگر ترک شود، موجب گناه و عذاب می‌گردد. اما مرتبه دوم و بالاتر و

^۱ من لا یحضره الفقیه، جلد ۲، صفحه ۲۱۱

نتیجه ارزشمندتر، «قبول توبه» در پرتو ادای حج است. بنابراین، دو ثمره بزرگ عبارتند از: «وَبِهِ قَبُولُ تَوْبَةٍ وَ قَضَاءُ الْفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ». به سبب حج، هم توبه تو پذیرفته می‌شود و هم آن فریضه‌ای که خدا بر تو واجب کرده، ادا می‌گردد. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، در مرتبه قبول توبه، چنان فضیلتی وجود دارد که گویا شخص حاجی، چون نوزادی از مادر زاده شده، پاک و بی‌گناه می‌شود و هیچ گناهی برای او باقی نمی‌ماند؛ البته با در نظر گرفتن تمام شرط‌ها و زمینه‌های لازم، نه آنکه شخص تنها به ظاهر حج بیندیشد و از محتوای آن غافل باشد.

اما «قَضَاءُ الْفَرَضِ» ناظر به حج واجب است، یعنی حَجَّةُ الْإِسْلَام. همان‌گونه که در مورد نماز نیز چنین است، آنچه درباره آثار نماز گفته می‌شود، در درجه اول مربوط به نماز واجب است، هرچند نمازهای مستحب نیز به نوبه خود، مراتبی از آن آثار را دارا هستند. در مورد حج نیز وضع چنین است، با این تفاوت که تعبیر «قَضَاءُ الْفَرَضِ» در این روایت به طور مشخص به حَجَّةُ الْإِسْلَام اشاره دارد.

«والحمد لله رب العالمين»